بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در ديدار بسيجيان استان فارس - 14 /ارديبهشت/ 1387

سم‌الله‌الرّحمن‌الرّحيم

والحمدالله رب العالمين والصّلاة والسّلام علي سيدنا ابي‌القاسم المصطفى محمد و علي اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين ؛ سيما بقية الله في الارضين.

مجموعه‌ي جوانان بسيجي در هر نقطه‌اي از اين كشور كه اجتماع ميكنند، با آنها عطر جهاد همراه است ؛ بخصوص اگر آن محل اجتماع جائي باشد كه دلهاي مشتاق فراواني در طول زمان از آنجا به عرصه‌هاي جهاد گسيل شدند و دلاوری هاي آنها در تاريخ باقي مانده است ؛ كه اين پايگاه، اين مركز در شيراز از آن قبيل است.

آنچه كه گفته ميشود به عنوان ثبت در تاريخ، اين اگر چه كه حقيقتي در وراي آن وجود دارد - كه اشاره خواهم كرد - اما مهمتر از آن ثبت در كتاب كرام‌الكاتبين است ؛ ثبت در صحيفه‌ي نوراني صديقين و بندگان صالح خداست ؛ آن چيزي كه براي آن جا دارد هر انساني همه‌ي لحظات زندگي خود را به كار بيندازد و تلاش خود را براي آن مصروف كند ؛ اين هماني است كه اميرالمؤمنين (عليه الصّلاة و السّلام) در آن لحظه‌ي آخر فرمود: «و لمثل ذلک فليعمل العاملون». اگر تلاشي از انسان بناست سر بزند، چه بهتر كه هدفِ آن تلاش، يک چنين جايگاهي، يک چنين رتبه‌اي باشد.

اما مسئله‌ي تاريخ هم در عين حال، مسئله‌ي كمي نيست. به تاريخ گذشته‌ي اين ملت كه مراجعه كنيد، هر چه نگاه ميكنيد مي‌بينيد در انتقال و جابه جائي قدرتها، مردم كشور ما نقشي نداشتند ؛ جانبداري‌اي نداشتند ؛ حضور مؤثر و فعالي نداشتند. تنها در انقلاب اسلامي است كه وقتي صلاي انقلاب از سوي رهبر بي‌نظير ما به گوش رسيد، ملت حركت كرد. مسئله، مسئله‌ي اين نبود كه خواصي از جامعه، جرياني از جامعه، گروهي از ابعاض و اشخاص جامعه بيايند وسط ميدان ؛ اقيانوس به تلاطم درآمد، اقيانوس ملت. وقتي هم كه نوبت دفاع مقدس رسيد، باز تنها نيروهاي مسلح مرسوم نبودند كه احساس وظيفه كردند، آحاد مردم حركت كردند ؛ هر جا دل آماده‌اي بود، هر جا انگيزه و نشاط و ايمان برتري بود، آمد وسط ميدان.

در اين مجموعه‌ي عظيم ملي، آنچه كه مثل يک شجره‌ي طيبه در اين سرزمين طيب و طاهر باقي ماند و ماندگار شد، همين شجره‌ي طيبه‌ي «بسيج» بود. متعهدترين، مشتاقترين، پرانگيزه‌ترين افرادي كه آمدند در اين صحنه حضور پيدا كردند، مجموعه‌ي بسيج عظيم نيروهاي ما بودند ؛ صحنه را هيچ وقت خالي نگذاشتند.

سازماندهي بسيج، يكي از نوآوري‌هاي امام بزرگوار بود. سازماني به نام بسيج بعد از آنكه بسيج عبارت بود از مجموعه‌ي انگيزه‌هاي مقدس و احساس مسئوليت و تعهد، آن را در قالب يک سازمان درآوردن، اين جزو ابتكارات ماندگار امام بزرگوار بود. ما ديديم برخي از سران كشورهاي اسلامي نسبت به اين قضيه با صراحت اظهار كردند كه اين كار بسيار بزرگي است. حقيقتاً هم كار بزرگي بود كه امام انجام دادند.

همين مجموعه‌ي بسيجي بود - يعني علاقه‌مندان و داوطلبان - كه به تشكيل سپاه پاسداران انقلاب اسلامي انجاميد. درست است كه بسيج، دنباله‌ي مجموعه‌ي سپاه و منضم در مجموعه‌ي سپاه پاسداران است ؛ اما در واقع خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامي از همان كساني تشكيل شد كه پيشروان و سابقون در بسيج بودند و آمدند وسط

ميدان ؛ اين شجره‌ي طيبه است.

لذا در عرصه‌ي كار بزرگي كه در اين كشور انجام گرفت - يعني دفاع مقدس - كشور هيچ احساس ضعف نكرد. با اينكه ما از لحاظ نيروي نظامي، از لحاظ تجهيزات و توانائي‌هاي عرفي معمولي با دشمنمان كه طرف مقابل ما بود، خيلي تفاوت داشتيم - همه‌ي موجودي ما بخشي از موجودي دشمن مقابل ما نميشد - اما احساس ضعف نكرديم. در همان عين محنتها در دوران دفاع مقدس، حضور پر شور جوانهاي اين كشور دلها را لبالب از اميد ميكرد و كارساز هم بود. بسيج، يک چنين شجره‌ي طيبه‌اي است.

شايد بسياري از شما جوانهاي عزيز، دوران دفاع مقدس را درک نكرديد، در آن دوران نتوانستيد، نبوديد كه بيائيد وسط آن ميدان ؛ اولاً بايد با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمنِ آن روز همه آشنا شوند ؛ مخصوص شما نيست. همه بايد بدانند كه در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظيمي از حضور مؤمنانه و پر تلاش نيروهاي بسيجي در صحنه‌هاي جنگ اتفاق افتاد ؛ اين را بايد همه بدانند. نوشته‌هائي هست، كتابهاي خوبي نوشته شده است ؛ من توصيه ميكنم اين كتابهائي كه در شرح حال سرداران است يا آنچه كه در گزارش روزهاي جنگ و سالهاي دشوار اول بالخصوص نوشته شده، اين را جوانها بخوانند. خود را سيراب كنيد از معرفت به آنچه كه گذشته است در تاريخ انقلاب ؛ ارزش بسيج اينجا معلوم ميشود. بسيج نخبگان را در درجه‌ي اول جذب كرد ؛ هم نخبگان تحصيلي و علمي را، هم نخبگان سياسي را، هم فعالان عرصه‌هاي اجتماعي را و هم دلهاي پاک و نوراني را. ميداني بود كه جوانان دانشجو هم جذب آن ميشدند ؛ پيراني كه دوران تلاش آنها سپري شده بود، جذب ميشدند ؛ نوجوانان هم جذب ميشدند. و همه احساس ميكردند كه سيراب ميشوند ؛ تشنگي معنوي آنها در بسيج، در حضور در آن عرصه‌هاي دشوار برطرف ميشود. يک چنين عرصه‌اي بود، عرصه‌ي دفاع مقدس و حضور بسيج در آن.

بنابراين در تاريخ اين كشور، اين حادثه، حادثه‌ي ماندگاري است ؛ تشكيل بسيج و نقشي كه آن روز در دفاع مقدس ايفاء كرد. لكن من ميخواهم به شما عرض بكنم نقش بسيج منحصر به معركه‌ي جنگ و عرصه‌ي نبرد نيست ؛ اگرچه كه عرصه‌ي نبرد يكي از مظاهر حضور مردمي و حضور بسيج است بدون ترديد. بهترين نيروهاي ما، پاک‌ترين نيتهاي جوانان ما، پاكترين و پاكدامن‌ترين عناصر جوان ما در بسيج ميتوانند حضور پيدا كنند و متشكل شوند. واقعيت هم همين بوده است. در هرجائي كه اسلام به آن نيازمند است و جمهوري اسلامي نسبت به آن احساس نياز ميكند، نيروي بسيج ميتواند در آنجا حضور پيدا كند ؛ همچناني كه خوشبختانه در عرصه‌ي علم و تحصيل دانش، جوانان بسيجي، مي‌بينيم و ميشنويم كه رتبه‌هاي بسيار خوب و برجستگي‌هائي را كسب كردند و از خودشان نشان دادند. هر جائي كه جاي حضور - حضور مردمي و حضور نيروي انساني فعال و پرانگيزه - است، آنجا جاي بسيج است.

شما جوانان عزيزي كه امروز در مجموعه‌ي بسيج حضور داريد و نيروي مقاومت، سازماندهي شما را بر عهده گرفته است، احساس و تلقي‌تان از مسئوليت يک انسان در قبال اسلام بايد اين باشد كه ميتوانيد مؤثر باشيد، ميتوانيد اين حركت عظيم را سرعت ببخشيد، ميتوانيد گره‌هائي را باز كنيد، ميتوانيد در مقابل تهاجمهاي گوناگون ايستادگي كنيد ؛ چه تهاجم سياسي، چه تهاجم تبليغاتي، چه جنگهاي رواني و چه احياناً تهاجم نظامي. و انقلاب اسلامي و نظام جمهوري اسلامي و كشور ما به اين حضور مردمي و پرانگيزه و برخاسته‌ي از ايمان، حداكثر نياز را دارد ؛ چون اتكاء اين نظام به خدا و عوامل الهي است و مهمترين عوامل الهي همين ايمانهاي مردمي است ؛ «هو الذي ايّدک بنصره وبالمؤمنين». خداوند به پيغمبرش ميفرمايد: خدا تو را به وسيله‌ي نصرت خود و به وسيله‌ي مؤمنين تأييد كرد. يعني يكي از مظاهر نصرت الهي، اعمال قدرت الهي، نصرت مؤمنين است.

نظام جمهوري اسلامي اتكالش به خداست - دستگاه ديپلماسی ما، فعاليتهای گوناگون دولتهای مادر دنيا در محدوده‌ی ارتباطات بين‌المللی و فعاليتهای متعارف سياسی طبق ارزيابی‌های خود آنها، جزو كشورهای فعال به حساب می‌آيد و فعاليتهای ما موفق به حساب می‌آيد- در عين حال به هيچ قدرتي، به هيچ دوستي اتكال و اتكاء نميكنيم. اتكاء ما به نيروي دروني خود ماست كه همان ارتباط با خداست، اتكال به خداست ؛ متمركز كردن موهبتهاي الهي است در وجود انسانها، تا بتوان كارآئي آنها را چند برابر كرد ؛ اين كاري است كه امروز بر عهده‌ي نظام جمهوري اسلامي است. لذا هميشه به بسيج نياز هست، چه در دوراني كه تهديدي وجود داشته باشد - چه تهديد سياسي، چه تهديد اقتصادي، چه تهديد نظامي - و چه حتّي در دوراني كه تهديدي وجود نداشته باشد. و خوشبختانه قشرهاي گوناگون مردم به اين نياز پاسخ دادند ؛ در هر نقطه‌اي از اين كشور، قشرهاي گوناگون از شهري، از روستائي، از عشائر، از دانشجو، از كارمند، از دانش‌آموز، از بقيه‌ي اصناف گوناگون كشور ؛ از كارگر، از كشاورز، همواره اجابت شنيده شده است نسبت به دعوت در مجموعه‌ي بسيج. يک نمونه همين عشائر عزيز ما هستند كه استان شما، جزو استانهاي عشائرنشين است و بسيج عشائر در اينجا جزو بسيجهاي فعال است.

معمولاً در كشورهاي مختلف تعدد اقوام و قوميتها يكي از نگراني‌هاي آنهاست ؛ در كشور ما بعكس است. عشائر ما هميشه در طول زمان كه ما سراغ داريم، جزو پشتيبانان فعال و جدي دين و ديندار‌ان و علماي دين و حركتهاي ديني بوده‌اند. هر چه نگاه ميكنيم در گذشته اينجور مي‌بينيم ؛ در زمان ما هم همينجور است. در دوران طاغوت هم همين عشائر فارس، درمقابل زورگوئيهاي طاغوت ايستادند. خواستند آنها را به معارضه با مجموعه‌ي ديندار‌ان وادار كنند، اما نتوانستند ؛ به انقلابيون، به مبارزين كمک كردند. آنجائي هم كه كمكي بظاهر نبود، دلهاشان با آنها همراه بود. اين مجموعه‌ي عشائري ما هستند. در بقيه‌ي مجموعه‌هاي ما هم هميشه همين‌جور است و اين آمادگي بايد باشد.

بارها اين را گفته‌ايم: نظام جمهوري اسلامي با اعلام آرمان عدالتخواهي در سطح بين‌الملل، قهراً دشمناني براي خود تدارک ديده. همه‌ي كساني كه در سطح تعاملات جهاني معتقد به سلطه و زورگوئي و تجاوزند، با شعار عدالت‌طلبي از سوي نظام جمهوري اسلامي معارضند، مخالفند، عصباني‌اند ؛ همچناني كه با شعار استقلال ملي، دشمناني در مقابل ما صف‌آرائي ميكنند. همه‌ي انحصار طلبان، همه‌ي جهانخواران، همه‌ي آنهائي كه دستشان بناحق و ناروا در سفره‌ي منابع مادي اين كشور دراز بوده و چپاول ميكردند، وقتي كه اين كشور و اين ملت اعلام استقلال و نفوذ ايادي بيگانگان را قطع ميكند، طبيعتا صف‌آرائي ميكنند. نبايد تصور كرد دشمني دشمنان به خاطر اين است كه فلان موضعگيري را دولت جمهوري اسلامي يا فلان مسئول كشور انجام داده. مسئله، مسئله‌ي اصل نظام و ساخت نظام است ؛ مسئله، مسئله‌ي شعارهاي اصولي نظام و امام است.

ملتها به عكس قدرتهاي سلطه‌گر دلشان با شماست. آنها بسيجي جوان ايراني را تحسين ميكنند. نام شماها، ياد شماها، حركات شماها خيلي دلها را در دنياي اسلام، حتّي در بيرون از دنياي اسلام به شما جذب كرده. اين تهديدها بنابراين هست، پس حضور مردمي و حضور بسيجي هست.

امواج تبليغات عليه نظام اسلامي را هرگاه يک بار از سوي قدرتهاي سلطه‌گر مي‌بينيد. كانّه اين امواج بازسازي ميشود. گاهي به عنوان مسئله‌ي انرژي هسته‌اي، گاهي به عنوان حقوق بشر، گاهي با عناوين گوناگون ديگر تبليغات رسوا عليه نظام جمهوري اسلامي سازماندهي ميشود. منتها چه كسي اين تبليغات را سازماندهي ميكند ؛ خودِ مُهر آن سازمان‌دهان رسواكننده‌ي اين تبليغات است ؛ كساني كه خودشان بيشترين نقض حقوق بشر را كرده‌اند. بيشترين تعرض را به ملتها كرده‌اند ؛ بيشترين چپاول را از منابع انسانها و ملتها انجام داده‌اند ؛ آنها پيشرو اين تبليغاتند. ولي ملت ايران بيدار است. ملت ايران زنده است.

شما جوانان بايد دائماً هشيار باشيد. معارف ديني خود و معارف انقلابي خود را هر چه ميتوانيد تعميق كنيد. مثل پاره‌هاي پولاد ؛ « زبر الحديد» - آنطوري كه در تعبيرات حديث و در بعضي دعاها وجود دارد - نفوذ ناپذير و نفوذ كننده و در مقابل دشمن برنده و با اراده‌ي قوي باشيد.

اگر بخواهيد اين هويت را به صورت كامل براي خودتان تأمين كنيد و حفظ كنيد، و ان‌شاءالله كساني كه در آينده به شما ملحق خواهند شد در نسلهاي بعدي، همين‌طور اين شجره‌ي طيبه و اين جريان مقدس ادامه پيدا كند، بايستی پايه‌های معارف را در دلهاتان مستحكم كنيد. من توصيه ميكنم در زمينه‌ي مسائل ديني، جوانها از معارف بلندي كه جزو بهترين آنها آثار شهيد مطهري است، حتماً استفاده كنند. شعارها خيلي خوب است، جهتگيري‌ها خيلي خوب است ؛ بايستي به اين جهتگيري‌ها و به اين شعارها عمق داد. جوانها از كتابهاي شهيد مطهري استفاده كنيد، از شرح حال سرداران غفلت نكنيد ؛ آگاهي از شرح حال اين شهداي راه حق. در درجه‌ي اول سردارانند، اما مخصوص سرداران نيست. من يک كتابي را ميخواندم كه شرح حال يک دسته، يک جزئي از يک گروهان بسيجي سپاه در يكي از حملات دفاع مقدس بود. حضور افراد يک دسته در صحنه‌ي نبرد،فعاليتهای بسيار مؤثرشان، شوقشان، ايمانشان، ضربه‌اي كه به دشمن وارد كردند و بالاخره آن نورانيتي كه در عرصه‌های نبرد كسب كردند، در بياناتشان ؛ و آنهائي كه شهيد شدند، در وصيتنامه‌شان اين نورانيت منعكس است. من بهره‌مند ميشوم. من هر وقت يک چنين چيزهائي را ميخوانم، بهره‌مند ميشوم، استفاده ميكنم. باب اين استفاده را به روي خودتان باز كنيد. اميدهاي آينده‌ي كشور شما جوانان هستيد و در ميان جوانان كشور، پرانگيزه‌ترينها و با ايمان‌ترين‌ها بيشترين اميدها را براي اين كشور و براي اين ملت به وجود مي‌آورند و يقيناً مجموعه‌ي بسيج از اين قبيلند. از خداوند متعال مسئلت ميكنيم كه اين راه روشن، اين شجره‌ي طيبه، اين هويت نوراني را براي انقلاب اسلامي روز به روز سرزنده‌تر و شاداب‌تر بفرمايد.

پروردگارا! دلهاي جوان اين عزيزان را با نور معرفت خود و با نيروي عظيم توكل به خود نوراني بفرما. پروردگارا! گامهاي اين جوانان عزيز را در راه پيشبرد اهداف انقلاب اسلامي استوارتر بگردان. پروردگارا! شهيدان عزيز ما را با اوليائت محشور بگردان. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده. پروردگارا! عمل ما، زبان ما، سخن ما، دل ما و مجموعه‌ي وجود ما را در خدمت اهداف الهي قرار بده. قلب مقدس ولي عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضي و خشنود بگردان.

والسّلام عليكم و رحمة الله و بركاته